

نقش آفرینی کانون‌های شهری در ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی (مورد: شهر مصیری و روستاهای پیرامونی)

علی شکور - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه جغرافیا، مرودشت، ایران
علی شمس‌الدینی* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه جغرافیا، مرودشت، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۲۵

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۸

چکیده

دستیابی به خدمات و مهیا نمودن زیرساخت‌ها و دیگر شرایط لازمی رشد و توسعه در روستاها می‌تواند نقشی مهم در تسریع روند توسعه و بهبود کیفیت زندگی روستاییان ایفا نماید. در این راستا شهرهای کوچک و محلی که دارای پیوند نزدیکی با روستاها هستند، با توجه به درجه برخورداری، جاذبه سکونت و همچنین افزایش جریان‌های متقابل روستایی-شهری می‌توانند موجبات تعادل و دگرگونی فضایی در ابعاد جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و بالطبع توسعه‌یافتگی روستاهای پیرامون خود را فراهم بیاورند. این تحقیق که با هدف بررسی عملکرد روستا-شهر مصیری در رابطه با ایجاد تعادل فضایی و توسعه نواحی روستایی پیرامون انجام گرفته است، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. شیوه جمع‌آوری داده‌ها به دو صورت استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه را شهر مصیری و ۹۱ روستای واقع در بخش مرکزی شهرستان رستم تشکیل می‌دهد. در راستای تحلیل عملکرد مصیری در ارتباط با روستاهای پیرامونی به آنالیز متغیرهای مختلف جمعیتی، اقتصادی و نیز تعیین درجه برخورداری روستاهای بخش با استفاده از مدل‌های مختلف کمی اقدام شده است. نتایج نشان می‌دهد که شهر مصیری از آغاز برپایی در سال ۱۳۲۶، علیرغم افزایش دامنه عملکرد فضایی خود نتوانسته در قامت یک شهر پویا از بدو تأسیس تاکنون در ناحیه عرض اندام نماید. به طوری که شهر ضمن افزایش جمعیت خود به واسطه مهاجرپذیری، در تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی ناحیه ناموفق بوده است. همچنین این شهر در توزیع خدمات به نواحی پیرامونی نسبتاً ضعیف و در زمینه اشتغالزایی و رفع بیکاری در منطقه نیز عملکرد ضعیفی داشته است. نهایتاً روستا-شهر مصیری نتوانسته زمینه‌های ایجاد تعادل فضایی در ناحیه و بالطبع توسعه روستاهای پیرامونی را فراهم بیاورد.

واژگان کلیدی: روستا، تعادل بخشی، توسعه روستایی، نقش، روستا-شهر، مصیری.

۱. مقدمه

در پی بروز نابسامانی‌های حاصل از عدم توجه به آمایش سرزمین و حفظ تعادل بین نواحی مختلف کشور و نیز توجه بیش از حد برنامه‌ریزان و مدیران جامعه به شهرها و غفلت از فضاهای روستایی فاصله زندگی شهری از حیات روستایی افزایش یافت؛ که این موجب تشدید نابرابری‌های مکانی-فضایی درون نواحی مختلف گردید. از طرفی، عواملی مانند مقیاس کوچک و تراکم کم سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، فاصله زیاد، انزوای جغرافیایی، ضعف راه‌های ارتباطی و سیستم حمل و نقل مناسب، اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستاییان را پیچیده‌تر کرده است (Bukanya & et al, 2003: 1). از این‌رو بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها در درون ناحیه موجب ضعف و تسریع روند نابودی این کانون‌های سکونتگاهی و بالطبع ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سویه شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری گردیده است. بدین ترتیب سکونتگاه‌های روستایی با دامنه حداکثری از فقر، نابرابری و عقب ماندگی مضاعف در قیاس با دیگر مراکز جمعیتی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب جهت گسستن از زنجیره فقر، بی‌عدالتی فضایی و بهبود رفاه اجتماعی هستند.

از جمله پیش شرط‌های لازم برای رسیدن به توسعه پایدار در هر فضای جغرافیایی، ایجاد بستری مناسب جهت رشد همراه با ارائه خدمات و زیرساخت‌های معیشتی-رفاهی در راستای برقراری توسعه و تعادل در آن جامعه است. بدین‌منظور دستیابی به خدمات و مهیا نمودن زمینه‌ها و دیگر شرایط مالی- نهادی لازمه تحول در روستاها می‌تواند نقشی مهم در تسریع روند توسعه و بهبود کیفیت زندگی روستاییان ایفا نماید. در راستای ارائه خدمات و بالطبع فراهم نمودن زمینه‌های ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های روستایی در کشورهای در حال توسعه - و از جمله ایران- در پیش گرفته شده است. بر این اساس، ایجاد و توسعه شهرهای کوچک همواره به عنوان یکی از سیاست‌های عمده در امر برنامه‌ریزی کشورهای در حال توسعه مدنظر بوده است. در کشور ما نیز توسعه شهرهای کوچک از طریق اجرای سیاست ارتقای روستاهای بزرگ و مستعد به شهر شدن، یکی از مهم‌ترین اقداماتی بوده که با هدف بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در نواحی روستایی و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ انجام گرفته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). با قبول این مطلب که شهرها و روستاها هرگز موجودیتی مستقل از هم نداشته‌اند و همواره ضمن پیوندی ناگسستنی از وابستگی متقابل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برخوردار بوده‌اند. هرگونه عدم توازن میان این دو کانون سکونتگاهی موجب گسترش فقر شهری و توسعه نیافتگی روستایی می‌شود. در نتیجه؛ کم توجهی به نگرش فضایی در سطوح محلی و ناحیه‌ای با توجه به شرایط و منابع و نیز نادیده گرفتن نظام‌های شهری و روستایی در یک کلیت یکپارچه، سبب نابسامانی در عرصه‌های فضایی سکونتگاهی کشور می‌شود (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). بنابراین توسعه روستایی به دلیل وجود روابط اقتصادی- اجتماعی تنگاتنگ میان شهر و حومه، بخش اصلی و مکمل سیاست توسعه شهری محسوب می‌شود (Rondinelli, 1983: 28). در این میان آنچه را که نباید فراموش کرد، نقش و جایگاه شهرها به عنوان کانون ناحیه می‌باشد که همچون پدیده‌ای زنده و پویا با توجه به

کارکرد و ساختار خود نقش آفرین بوده و ضمن تعادل بخشی فضایی؛ نوآوری‌های منتج از فرآیند توسعه را در خود جای می‌دهند و به صورت ماتریسی آن را به نقاط روستایی پیرامون پخش می‌کنند. در این پژوهش شهرستان رستم با یک نقطه شهری مصیری و ۵۳۶۵ نفر سکنه، دو بخش، چهار دهستان و داشتن ۱۷۳ نقطه روستایی با ۴۵۳۷۷ نفر سکنه در سال ۱۳۸۵ به عنوان محروم‌ترین شهرستان فارس که دارای روستاهای فقیر هستند، مطرح شده است. از این رو با تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی سعی شده است؛ به بررسی و تحلیل نقش شهر مصیری در قامت یک روستا-شهر در رابطه با فراهم نمودن زمینه‌های تثبیت جمعیت، ایجاد تعادل فضایی، اشتغالزایی، خدمات‌رسانی و توسعه در نواحی روستایی بخش مرکزی این شهرستان با استفاده از تحلیل مدل‌های کمی در طی یک دهه اخیر اقدام شود.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی شهر و روستا

در آغاز روند برنامه‌ریزی در عرصه‌های جهانی به ویژه در کشورهای درحال توسعه، عموماً شهر و روستا به منزله دو عنصر جدا از هم قلمداد می‌شدند که توسعه و تعالی هر یک جدا از دیگری تصور می‌شد. به طوری که برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر گره‌های شهری، توجه اندکی به کشاورزی و عرصه روستایی داشت و برنامه‌ریزی روستایی نیز با تأکید بر روستا و اراضی کشاورزی کمتر به فضای شهری و تأثیر آن بر توسعه روستاها می‌پراخت (طاهرخانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵). یک سویه بودن این گونه جریان‌های شهری-روستایی همراه با عدم توجه به رفاه اقتصادی-اجتماعی روستائیان در کشور منجر به محرومیت نسبی روستائیان از امکانات مورد نیاز زندگی، فقر مضاعف، توسعه‌نیافتگی روستاها و بالطبع درهم ریختگی و نابسامانی در عرصه‌های فضایی نواحی مختلف کشور گردید.

عدم موفقیت در اجرای سیاست‌های قطب رشد، شهری شدن و صنعتی نمودن جوامع در ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها دستخوش دگرگونی و تحول شوند، به طوری که از سوی نظریه‌پردازان؛ نگرش سیستماتیک و یکپارچه شهری-روستایی در مباحث توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر موضوع نابرابری و ایجاد شکاف اقتصادی-اجتماعی بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی که بر مبانی نظریات قطب رشد و مرکز-پیرامون در بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در کشورهای جهان سوم شکل گرفته بود، زمینه را برای ارائه نظرهایی در خصوص توسعه نامتعادل فضایی فراهم آورد (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵). بنابراین تلاش برای پیشرفت و توسعه ناحیه و عناصر درونی آن بعنوان محل کنش و فضای شکل‌دهی به جریان‌های سیاسی و اقتصادی-اجتماعی میان شهر و روستا از اواسط دهه ۱۹۷۰ به این سو مورد توجه جدی برنامه‌ریزان و جغرافیدانان قرار گرفت. به گونه‌ای که با ورود مباحث اجتماعی و توجه به حفظ ارزش‌های انسانی همچون: برقراری عدالت، رفع فقر و نابرابری‌های فضایی در برنامه‌ریزی توسعه و همچنین تلاش برای دستیابی به توسعه انسانی پایدار در همه شئون جامعه از سوی برنامه‌ریزان، این اندیشه‌ها در عرصه‌های سکونتگاهی شهر و روستا آثار مطلوبی به جای گذاشت.

در این راستا ایده اصلی توجه و تأکید به نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی اولین بار با کار جانسون ۱۹۷۰ و بحث مرکز توسعه روستایی فائل^۱ آغاز و مطرح گردید (فنی، ۱۳۸۲: ۱۶). طبق نظر جانسون شکاف موجود در نظام سکونتگاهی کشورهای جهان سوم از طرفی به بهره‌وری کمتر در کشاورزی می‌انجامد و از سویی منجر به ناکامی‌های توسعه روستایی می‌گردد (پاتر و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۷). وی بدین موضوع نیز پی برده بود که تفاوت شگفت‌انگیزی بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته از لحاظ تعداد نسبی مکان‌های مرکزی، پراکندگی شهرک‌ها و شهرهای کوچک وجود دارد (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۷). برپایی، تقویت و تجهیز نقاط شهری کوچک و محلی با نظم سلسله‌مراتی خاص در منطقه از مهم‌ترین راهکارهایی بود که برای رفع این نقیصه در سطوح برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح گردید. بدین منوال و در سال (۱۹۷۸م.) راندینلی نیز با طرح رهیافتی به نام عملکردهای شهری در توسعه روستایی^۲، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه روستایی را محور قرار داد تا تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه خدمات و تجاری کردن کشاورزی و غیره، سازماندهی و مدیریت توسعه را برآورده سازد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۳۱). از این رو در یک نگرش سیستمی، نوسازی و توسعه روستایی باید از ماهیت قلمرو وسیع‌تر به عنوان مکمل توسعه شهری آغاز شود، و برای رسیدن به توسعه یکپارچه و متنوع ناحیه باید بر دوگانگی (ساختاری- کارکردی) شهر و روستا غلبه پیدا کرد (افراخته، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

۲-۲. شهرها و توسعه‌ی روستایی

همان طور که می‌دانیم رسالت برنامه‌های توسعه روستایی، ارتقای توانایی جوامع روستایی برای نیل به رشد، رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی آنهاست که این امر با تخصیص هدفمند منابع مالی و فنی به مناطقی که بیشترین نیاز را دارند و نیز از طریق انجام اقداماتی که بالاترین زمینه و پتانسیل را دارند صورت می‌گیرد (داوان، ۱۳۸۸: ۱). در این رابطه خدمات رسانی و زمینه‌سازی جهت توسعه روستایی عموماً از کانال شهرها صورت می‌گیرد. به طوری که شهرها ضمن دارابودن کانون ناحیه، نقش وحدت و ثبات بخشی را ایفا می‌کنند. در واقع توسعه و نوآوری در ماتریسی از مناطق شهری زاینده شده و به پیرامون روستایی جریان می‌یابد. از این رو برای دستیابی به ایجاد تعادل فضایی بین سکونتگاه‌ها، شهرهای کوچک به ویژه شهرهایی که موقعیت استقرار آنها در شبکه سکونتگاه‌ها به عنوان عامل و واسط میان کانون‌های شهری و روستایی عمل می‌نمایند، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت (Egziabhar, 2004: 6).

بدین ترتیب با رونق گرفتن شبکه بازار شهری، حاصل از دادوستد تولیدات روستاییان و کالاهای تولید شده در شهرهای کوچک؛ داد و ستد متقابل اقتصادی و به تبع فروش محصولات روستایی در شهر و محصولات شهر در روستاها؛ جریانی از انتقال پول و سرمایه از شهر به روستا و بالعکس را موجب می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند موجی از جنب و جوش مالی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد در ناحیه و بالطبع هزینه‌شدن این پول در مراکز سکونتی شهر و روستاها را سبب گردد. نهایتاً

1. Weaver .c.m,urban system theory&third world development,1990.

2. Urban Functions in Rural Development

این پویایی اقتصادی به همراه ارائه مناسب خدمات در تمام سطوح جمعیتی می‌تواند به توسعه یکپارچه ناحیه (اعم از شهر و روستا) بیانجامد (ضیاء‌توانا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸). در این راستا راندینلی (1978, 1980) پیشنهاد می‌کند: اگر توسعه اقتصادی همراه با برابری اجتماعی و جغرافیایی بشتری مدنظر باشد، بایستی سرمایه‌گذاری بر اساس الگوی «تمرکز غیرمتمرکز» انجام گیرد. به عبارت دیگر سرمایه‌ها بایستی از نظر استراتژیکی در سکونتگاه‌های شهری استقرار یابند تا بتوانند برای جمعیت زیادی که در آنجا و در نواحی روستایی نسبتاً کم تراکم پیرامون آن سکونت دارند، به آسانی قابل دسترس باشند (نظری، ۱۳۸۰: ۷۷). این اندیشمند پیشنهاد می‌کند در صورتی که دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کنند و این امر از طریق تمرکز یکپارچه شهرها ممکن می‌شود (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۶). رودل نیز توسعه شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد. از این‌رو، اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست؛ زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته‌اند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی از مراکز شهری تأمین می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

بنابراین اجرای اهداف توسعه روستایی، نیازمند برقراری عدالت اجتماعی، تسهیل روند از پایین به بالا و تشویق رشد اقتصادی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی همراه با گسترش تجارت، مشاغل خدماتی و صنایع شهری در سطوح کارکردی شهر و روستا است (Rondinelli, 1985: 1-23). در این رابطه داگلاس اعتقاد دارد با ایجاد شبکه محلی از روستاها، شهرک‌ها و شهرها، توجه به یکسانی مسایل اجتماعی و اقتصادی هدف می‌گردد. همچنین تدارک آب لوله کشی، برق، سیستم فاضلاب، زهکش‌ها، خدمات آموزشی و گسترش خدمات بهداشتی از سوی شهرها صرفاً یک مسأله رفاهی نیست بلکه عامل مهمی برای ارتقاء سطح کیفی زندگی منطقه است (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷، به نقل از: (Douglass, 1999:46). در نتیجه با متنوع‌سازی اقتصاد شهری به ویژه شهرهای کوچک و روستا-شهرها و نیز تجهیز این گونه مراکز سکونتگاهی به انواع امکانات زیرساختی- معیشتی و مولد مورد نیاز شهر و ناحیه پیرامون می‌توان بر روی حوزه‌های روستایی تأثیر گذاشت و آنها را به سوی اقتصاد متنوع، رفاه اجتماعی و بالطبع توسعه پایدار سوق داد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. برای جمع‌آوری داده‌ها و شناخت وضع موجود از اطلاعات اسنادی: کتب، نقشه‌ها و گزارش‌ها بهره‌گیری شده و سپس برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی اهداف تحقیق از اطلاعات میدانی استفاده شده است. در این راستا وضعیت عملکردی شهر مصیری در دو مرحله قبل و بعد از تبدیل شدن به شهر در محدوده بخش مرکزی شهرستان رستم مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌است. جامعه آماری تحقیق را مجموعه روستاهای دهستان‌های رستم ۱ و ۲ از توابع بخش مرکزی شهرستان رستم بوده که اطلاعات مورد نیاز آنها از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارنامه‌های رسمی استخراج گردیده است. در راستای تحلیل عملکرد شهر

مصیری در ارتباط با روستاهای مورد مطالعه با استفاده از ضریب آنتروپی و ضریب کشش‌پذیری به بررسی نقش شهر در ایجاد تعادل فضایی و تثبیت جمعیت در ناحیه مورد مطالعه پرداخته شده است. همچنین با تکیه بر روش تحلیل ضریب مکانی به ارزیابی نقش شهر مصیری در ساختار کلان اشتغالی منطقه اقدام گردیده است. در نهایت ضمن استفاده از مدل شاخص مرکزیت به رتبه‌بندی درجه برخورداری خدماتی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی روستاهای بخش طی دو دهه اخیر اقدام شده است.

۴. محدوده مورد مطالعه

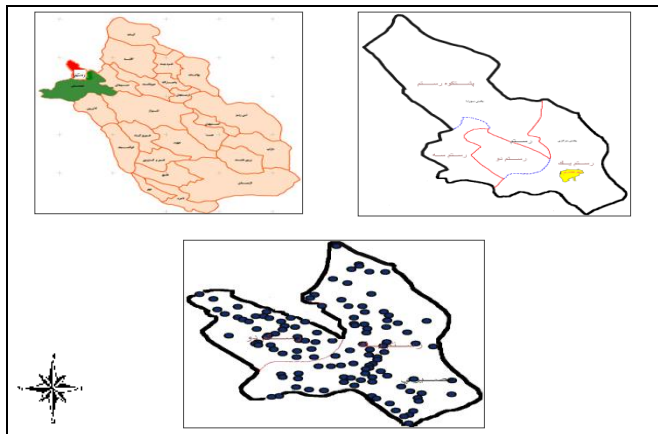
بخش مرکزی شهرستان رستم به عنوان محدوده مورد مطالعه؛ شامل دو دهستان رستم ۱ و ۲ و نیز شهر مصیری از توابع شهرستان رستم (تأسیس ۱۳۸۷) می‌باشد که در شمال غربی استان فارس واقع شده‌اند (شکل ۱). این بخش در سال ۱۳۷۵؛ ۲۷۸۸۴ نفر جمعیت داشته است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ نیز ۲۶۸۹۰ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۵۳۶۵ نفر در شهر مصیری (برپایی در سال ۱۳۷۶) و ۲۱۵۲۵ نفر در ۹۱ روستای بخش سکونت داشته‌اند. که نسبت به دهه ۷۵ نشان از کاهش جمعیت و مهاجرت روستاییان از بخش دارد (جدول ۱).

جدول ۱. تعداد جمعیت و نرخ رشد ناحیه مورد مطالعه در سال‌های ۸۵-۱۳۶۵

سکونتگاه	جمعیت ۱۳۶۵	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد ۶۵-۷۵	نرخ رشد ۷۵-۸۵
شهرستان رستم	۵۵۶۲۵	۴۷۳۵۵	۴۵۳۷۷	-۱/۵	-/۴
بخش مرکزی	۲۶۰۱۸	۲۷۸۸۴	۲۱۵۲۵	/۶	-۲/۵۶
شهر مصیری	۲۵۶۰	۳۱۰۱	۵۳۶۵	/۹	۵/۶۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۶۵

آن گونه که از جدول (۱) برمی‌آید جمعیت کل شهرستان طی دو دهه اخیر با روند رو به کاهشی مواجه بوده است. همچنین روستاهای بخش مرکزی رستم در دهه ۷۵-۸۵ بعد از تبدیل مصیری به شهر با نرخ رشد ۲/۵۶- نسبت به دهه ۶۵-۷۵، قبل از تبدیل مصیری به شهر با کاهش جمعیت و افزایش مهاجرت‌فرستی روبه‌رو بوده است. در مقابل شهر جدید مصیری با افزایش جمعیت ۵/۶۳ درصدی بعد از برپایی مواجه بوده که این نشان از جاذبه فراوان جمعیت‌پذیری شهر دارد. در این راستا می‌توان ضعف بنیان‌های اقتصادی ناحیه از جمله فقر، بیکاری و تلاش برای افزایش درآمد به همراه وجود نارسایی‌های اجتماعی در روستاها همچون کمبود امکانات و تسهیلات معیشتی- رفاهی و نیز عدم دسترسی مناسب روستاییان به خدمات مورد نیاز جهت بهبود رفاه اجتماعی را مهم‌ترین عامل در مهاجرت روستاییان منطقه به شهر مصیری و دیگر شهرهای اطراف دانست (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲).



شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

وضعیت معیشتی مردم ناحیه بر کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن و تا حدودی به بخش خدمات به ویژه در شهر مصیری استوار است و هرچا که خاک مناسب و منبع آبی وجود داشته سکونتگاهی بنیاد شده و عده‌ای به دور آن جمع شده‌اند. بر این مبنا پراکندگی جمعیت در این بخش تابع وضعیت ناهمواری، آب و خاک مناسب و شبکه ارتباطی می‌باشد. به طوری که در این بخش بیشتر روستاها در دشت‌ها و جلگه‌هایی که دارای شرایط محیطی مناسب هستند، تمرکز یافته‌اند. وضعیت سکونتگاه‌های روستایی ناحیه و تحولات جمعیتی آنها در خلال سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ بررسی شده که عبارت است از تعدادی از روستاهای کوچک اندام تا بزرگ اندام که مشخصات آنها در جدول (۲) آمده است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

جدول ۲. تعداد روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم بر حسب طبقه‌بندی جمعیتی در سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

تعداد آبادی								شرح
۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		سال
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	طبقات جمعیتی
۴۱/۷۵	۳۸	۳۹/۴۲	۴۱	۲۷	۲۶	۱۷/۸۰	۱۳	۱-۹۹
۳۰/۷۶	۲۸	۲۶/۹۲	۲۸	۳۹/۵۸	۳۸	۴۷/۹۴	۳۵	۱۰۰-۲۴۹
۱۰/۹۰	۱۰	۱۹/۲۳	۲۰	۲۲/۹۱	۲۲	۲۱/۹۱	۱۶	۲۵۰-۴۹۹
۱۳/۱۸	۱۲	۱۰/۵۷	۱۱	۸/۳	۸	۱۰/۹۵	۸	۵۰۰-۹۹۹
۳/۲	۳	۳/۸	۴	۲	۲	۱/۳۶	۱	+۱۰۰۰
۱۰۰	۹۱	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۰	۹۶	۱۰۰	۷۳	جمع کل

منبع: بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی‌های شهرستان ممسنی، ۸۵-۱۳۵۵

بر این اساس تعداد روستاهای بخش از سال ۵۵ تا ۷۵ دارای روند افزایشی و از سال ۷۶ همزمان با برپایی شهر مصیری تا سال ۸۵ ضمن افزایش روند مهاجرفرستی و تخلیه ۱۳ روستا با کاهش تعداد آبادی‌ها مواجه بوده است. همچنین بیشترین سهم از کل روستاهای بخش در دهه‌های ۵۵ و ۶۵ متعلق به طبقه دوم جمعیتی (۱۰۰-۲۴۹) نفر با ۴۸ و ۴۰ درصد بوده است. در دهه‌های بعد با ۴۰ و ۴۲ درصد از کل روستاها بیشترین تعداد متعلق به روستاهای کوچک اندام و زیر ۱۰۰ نفر جمعیت می‌باشد (شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۴).

۵. یافته‌ها

۵-۱. تعادل فضایی ناحیه

با استفاده از ضریب آنتروپی بر آن شدیم تا به مقایسه میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت در سطح شبکه روستایی ناحیه در قبل و بعد از تبدیل مصیری به شهر بپردازیم. این مدل، معیاری برای سنجش توزیع جمعیت شهرها و توزیع تعداد نقاط سکونتگاهی شهری در طبقات جمعیتی یک منطقه است. با استفاده از این شاخص، تأثیر وجودی روستا- شهر مصیری را در تحقق هر یک از اشکال تعادل یا تمرکز در نظام توزیع جمعیت منطقه مرکزی رستم؛ مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته است. (جدول ۳). در این مدل، ابتدا توزیع فراوانی، سپس درصد توزیع فراوانی و لگاریتم طبیعی درصد توزیع فراوانی را محاسبه نموده و بعد درصد توزیع هر یک از نقاط را در لگاریتم آنها ضرب کرده و در پایان مجموع آنها را با تغییر علامت محاسبه نموده‌ایم^۱. مطابق این شاخص، بعد از محاسبه آنتروپی مطلق جهت تحلیل خصیصه‌های تمرکز گرایانه نقاط در منطقه، می‌توان از آنتروپی نسبی به صورت شاخص زیر استفاده کرد:

$$G = H / \ln.k$$

G = ضریب آنتروپی یا آنتروپی نسبی

K = تعداد طبقات یا نقاط

جدول ۳. محاسبه ضریب آنتروپی در ناحیه بخش مرکزی شهرستان رستم

سال ۱۳۸۵ بعد از تبدیل مصیری به شهر			سال ۱۳۷۵ قبل از تبدیل مصیری به شهر			شرح
Pi.Lnpi	Lnpi	Pi	Pi.Lnpi	Lnpi	Pi	
-/361	-/86	%42	-/364	-/0/91	%40	۱-۹۹
-/362	-/1/17	%31	-/348	-/1/34	%26	۱۰۰-۲۴۹
-/23	-/2/30	%10	-/32	-/1/60	%20	۲۵۰-۴۹۹
-/265	-/2/04	%13	-/23	-/2/30	%10	۵۰۰-۹۹۹
-/105	-/3/50	%03	-/132	-/3/32	%04	+۱۰۰۰
-/1/323	-/9/87	1	-/1/394	-/9/47	1	جمع

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس یافته‌های میدانی

بر این اساس در سال ۱۳۷۵، $G = 868\%$ بوده در حالی که این مقدار در سال ۱۳۸۵ به $G = 825\%$ کاهش یافته است. بر پایه این مدل اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیشتر وعدم تعادل در توزیع جمعیت ناحیه دارد و بالاتر از آن توزیع متعادل تری را در عرصه منطقه‌ای نشان می‌دهد (Sudhira, 2003: 299-311). از ضرایب آنتروپی به دست آمده برای دو دوره آماری مورد بررسی چنین برداشت می‌شود که تبدیل مصیری به شهر تأثیر مطلوبی در توزیع متعادل و متوازن جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های روستایی در سطح ناحیه مرکزی رستم نداشته است. به

۱. فرمول این شاخص بدین قرار است: (فنی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۸).

H = مجموع فراوانی نسبی در لگاریتم نهی فراوانی نسبی

Pi = درصد فراوانی جمعیتی

ln = لگاریتم طبیعی

$$P = \frac{x_i}{\sum x_i} n$$

$$H = - \sum_1 P_i - \ln P_i$$

طوری که برپایی شهر مصیری با عرصه‌های متفاوت عملکردی موجب جذب جمعیت از نواحی روستایی پیرامون و بالطبع کاهش جمعیت و تخلیه این سکونتگاه‌ها را فراهم نموده است. و چون آنتروپی نسبی در هر دو دوره کمتر از عدد یک است، در نتیجه توزیع جمعیت ناحیه چندان متعادل و متوازن نمی‌باشد.

۵-۲. تثبیت جمعیت در ناحیه

برای سنجش توانایی شهر مصیری در جذب مهاجرین و تثبیت جمعیت در شهر و ناحیه روستایی مورد مطالعه از ضریب کشش‌پذیری استفاده شده است. این مدل شاخصی است که به وسیله آن می‌توان گرایش‌های موجود در فضای منطقه و میزان کشش‌پذیری جمعیتی آن را محاسبه نمود (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

برای این کار ابتدا نرخ رشد جمعیت شهر و ناحیه مورد نظر را طی دهه‌های مختلف زمانی محاسبه نموده، سپس با استفاده از اطلاعاتی چون نرخ رشد کلی و نرخ رشد شهری، به تعیین و ارزیابی شاخص پرداخته می‌شود. حال اگر ضریب کشش‌پذیری از عدد یک بالاتر میل کند دلیل بر وجود توان جذب جمعیت شهر است و کمتر از عدد یک، عکس این حالت را معنا می‌دهد (رضایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳). در این راستا ضریب مورد بررسی برای شهر مصیری و ناحیه مورد مطالعه در دو دوره زمانی قبل و یک دوره زمانی بعد از تبدیل شدن به شهر مورد محاسبه و بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. ضریب کشش‌پذیری جمعیتی شهر مصیری و ناحیه مورد مطالعه سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

سال مکان سکونتی	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵
شهر مصیری	۸	۱/۹	۵/۶۳
بخش مرکزی رستم	۲/۶۵	۱/۶	-۲/۵۶
ضریب کشش‌پذیری	۲/۱۹	۳/۱۶	-۲/۱۹

منبع: محاسبات نگارندگان

همان گونه که از جدول بالا می‌توان فهمید ضریب کشش‌پذیری شهر مصیری در دهه‌های قبل از تبدیل شدن به شهر یعنی سال‌های (۶۵-۵۵) و (۷۵-۶۵) برابر با ۲/۱۹ و ۳/۱۶ بوده که این نرخ مثبت و از عدد یک بالاتر می‌باشد و دلیلی بر وجود روند ضد تمرکز در منطقه و رشد تدریجی شهر و نیز گویای نقش این نقطه سکونتگاهی در تثبیت جمعیت روستاها و جذب آرام مهاجرین منطقه می‌باشد. اما در دهه ۸۵-۷۵ و بعد از تبدیل مصیری به شهر این ضریب منفی و به ۲/۱۹- تنزل پیدا می‌کند. که این توجیه‌کننده روند افزایش مهاجرت و کوچ اندک روستاییان منطقه به سوی شهر مصیری و مهم‌تر از همه حرکت سریع روستاییان به خارج از مراکز جمعیتی این شهرستان است.

۱. فرمول این ضریب به شرح زیر است:

$$E = \text{ضریب کشش‌پذیری در فاصله زمانی } t \text{ و } t+10$$

$$Ru = \text{نرخ رشد سالانه جمعیت شهری}$$

$$E_{(t,t+10)} = \frac{r_t(t, t+10)}{r(t, t+10)}$$

$$r = \text{نرخ رشد سالانه جمعیت کل}$$

۵-۳. عملکرد اقتصادی (اشتغالی) شهر

هر کانون سکونتگاهی اعم از شهرها و روستاها دارای تأثیرات و کارکردهایی در زمینه‌های اقتصادی در سطوح محلی، منطقه‌ای و گاه ملی هستند. در اینجا به منظور ارزیابی نقش اشتغالی شهر مصری در ناحیه از مدل ضریب مکانی (اقتصاد پایه) در دو دوره زمانی قبل و بعد از تبدیل به شهر استفاده شده است. ضریب مکانی یا $L.Q$ یکی از نظریه‌های معروف رشد اقتصاد پایه است که معمولاً نسبت میان اشتغال غیرپایه به اشتغال پایه را بازگو می‌کند و شامل فعالیت‌هایی می‌شود که به صدور کالا یا خدمات به بیرون از شهر یا منطقه می‌پردازد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۰۶-۱۰۵). چنین جریاناتی می‌تواند برای شهر سرمایه و درآمد به وجود بیاورد و اثر فزاینده‌ای و تحریک‌کنندگی در رشد اقتصادی-اجتماعی شهر و منطقه داشته باشد.^۱

بدین ترتیب ضریب مکانی شهر مصری نسبت به منطقه رستم برای سال‌های ۷۵ و ۸۵ در سه بخش اقتصادی محاسبه شده است. آن‌گونه که از جدول (۵) می‌توان فهمید شهر مصری در بخش کشاورزی در هر دو دوره ضریبی کمتر از عدد ۱ دارد و نقش این شهر در این بخش از اقتصاد منطقه ضعیف است، و وارد کننده این گونه محصولات می‌باشد. اما در بخش صنعت و معدن ضمن بالاتر بودن ضریب $L.Q$ از عدد ۱ (که آنهم بیشتر مربوط به صنعت ساختمان سازی است) از رشد ناچیزی نسبت به زمان قبل از شهر شدن برخوردار گردیده و به همین نسبت نیز اشتغالزایی کمتری در ناحیه داشته است. در بخش خدمات نیز که مهم‌ترین مشخصه وجودی یک شهر می‌باشد؛ گرچه ضریب به دست آمده در سال ۱۳۸۵ از عدد ۱ بیشتر است، این ضریب نسب به دهه قبل با توجه به افزایش جمعیت شهر با کاهش شدید عملکردی در اقتصاد منطقه مواجه بوده است. که بیانگر عملکرد ضعیف شهر در زمینه اشتغالزایی در این بخش از اقتصاد منطقه می‌باشد. در نتیجه این شهر در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در منطقه موفق نبوده است.

جدول ۵. مقایسه تغییرات ضریب مکانی مصری در دوره‌های قبل و بعد از تبدیل به شهر

L.Q ۸۵	L.Q ۷۵	فعالیت / ضریب مکانی	سکونتگاه
۰/۶۲۰۴	۰/۵۴۹۵	کشاورزی	شهر مصری
۲/۶۲۲	۲/۶۰۹	صنعت و معدن	
۱/۹۲۹	۳/۱۱۹	خدمات	

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۷۵

۵-۴. تعیین سطح‌بندی و درجه بر خورداری نقاط روستایی

برای تعیین این مقدار، از مدل شاخص مرکزیت که نوعی طبقه‌بندی از خدمات بر اساس ترتیب استقرار و ارزش مرکزیت می‌باشد، استفاده شده است. این شاخص اهمیت کارکردی عملکردها را، نه تنها بر مبنای تعداد عملکردها در یک مکان؛ بلکه بر اساس فراوانی این عملکردها در کل منطقه

۱. بر اساس این ضریب اگر:

اگر $L.Q = 1$ گردد، شهر یا منطقه از حیث اقتصادی خودکفاست.

اگر $L.Q > 1$ گردد، شهر یا منطقه صادر کننده کالا و خدمات است.

اگر $L.Q < 1$ گردد، شهر یا منطقه وارد کننده کالا و خدمات است (Blair, 1991: 193-194).

اندازه‌گیری می‌کند. در این گونه مطالعات، هدف از محاسبه درجه و ارزیابی این شاخص، تعیین میزان بهره‌مندی و توسعه‌یافتگی نقاط روستایی حوزه نفوذ یک شهر است و این که این شهرها، تا چه حد موجب بسط کارکردهای خود به درون نواحی پیرامونی می‌شوند (فنی، ۱۳۸۲: ۹۴).

بدین ترتیب برای محاسبه میزان بهره‌مندی روستاهای بخش مرکزی تعداد خدمات زیربنایی- معیشتی موجود در روستاها را در طی دو دوره سرشماری ۷۵ و ۸۵ - دوره‌های زمانی قبل و بعد از تبدیل مصیری به شهر - مورد بررسی قرار داده‌ایم. اسکالوگرام تهیه شده در سال ۱۳۷۵ و ۸۵ حاکی از آن است که میزان خدمات و عملکردهای موجود در ناحیه از جمله آب آشامیدنی، برق، خانه‌های بهداشت و خدمات آموزشی با توجه به جمعیت روستاها نسبتاً مطلوب بوده (جدول ۶). ولی از نظر خدمات اداری، تجاری و تسهیلات تولیدی - رفاهی ناحیه در حد مطلوب نیست و خدمات جواب‌گوی نیاز روستاییان منطقه نمی‌باشد.

جدول ۶. تعداد و درصد روستاهای دارای خدمات در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

نوع	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سال ۷۵	۷۵		۷۹		۱۷		۱		۱		۱۷		۱		۱۴		۲		۱۴	
سال ۸۵	۷۵		۷۵		۱۲		۹		۱۲		۱		۱۲		۱۲		۳		۱۲	

منبع: مرکز آمار ایران، سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

اطلاعات حاصله از طبقه‌بندی روستاها بر اساس شاخص مرکزیت در سال ۷۵ نشان می‌دهد که بی‌نظمی خاصی از منظر سلسله‌مراتبی میان سکونتگاه‌های بخش وجود دارد. به طوری که در سطوح اول و دوم، ۴ روستای برخوردار وجود داشته است. در سطح سه هیچ آبادی‌ای وجود ندارد و در سطح بعدی ۵ روستا می‌باشد. به همین ترتیب در آخرین سطح ۸۸ روستا قرار دارد که نشان از عدم برخورداری از امکانات و توسعه‌نیافتگی ۹۰ درصد از روستاهای مورد مطالعه دارد. نکته قابل توجه در سطح بندی این است که تمامی روستاهای برخوردار در سطوح یک و دو دارای جمعیتی بالاتر از ۵۰۰ نفر و در فاصله کمتر از ۵ کیلومتری از شهر مصیری قرار گرفته‌اند (جدول ۷ و شکل ۲).

جدول ۷. سطح بندی خدمات در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم بر اساس شاخص مرکزیت سال ۱۳۷۵

سطح	شاخص مرکزیت	تعداد آبادی	درصد	میانگین جمعیت
۱	۱۸۵/۹۶ و بالاتر	۲	۲	۱۸۰۱
۲	۱۳۹/۵۲-۱۸۵/۹۶	۲	۲	۴۶۲
۳	۹۳-۱۳۹/۵۲	-	-	-
۴	۴۶/۴۴-۹۳	۵	۵/۱۵	۷۲۰
۵	کمتر و ۴۶/۴۴	۸۸	۹۰/۸	۲۲۳

منبع: محاسبات نگارندگان



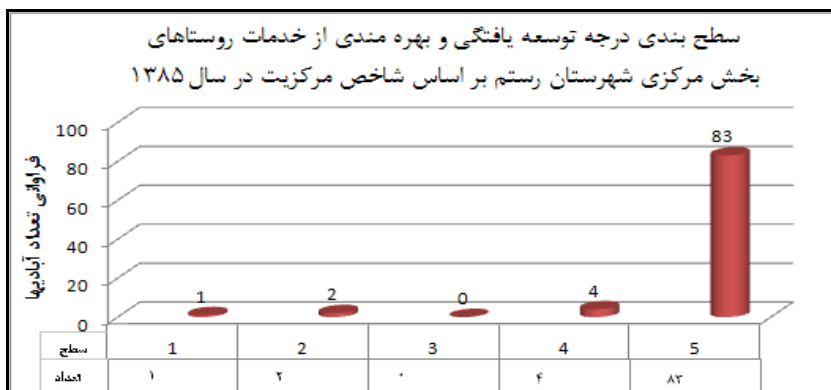
شکل ۲. سطح بندی خدمات در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم بر اساس مدل شاخص مرکزیت (۱۳۷۵)

بر پایه شاخص سطح بندی، روستاهای بخش در سال ۱۳۸۵ نظم سلسله مراتب تمرکز گرایانه‌ای وجود داشته است. به طوری که در سطوح یک و دو به ترتیب: ۱ و ۲ روستای برخوردار وجود داشته است. در سطح سه همچون دهه قبل هیچ روستایی وجود ندارد و در سطح چهارم ۴ آبادی و در آخرین سطح از طبقه بندی، ۸۳ روستا معادل با ۹۲ درصد از روستاهای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (جدول ۸ و شکل ۳). در این دهه که بعد از تبدیل مصیری به شهر مورد بررسی قرار گرفته نه تنها نظم قبلی از لحاظ برخورداری میان آبادی‌ها تکرار شده است؛ بلکه باز هم اکثریت روستاهای بخش غیربرخوردار و توسعه نیافته قلمداد شده‌اند. این موضوع ناکارآمدی و ضعف در عملکرد خدمات رسانی شهر را می‌رساند.

جدول ۸. سطح بندی خدمات در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم بر اساس شاخص مرکزیت سال ۱۳۸۵

سطح	شاخص مرکزیت	تعداد آبادی	درصد	میانگین جمعیت
۱	۳۱۷/۲ و بالاتر	۱	۱/۱	۵۴۷
۲	۲۳۷/۹ - ۳۱۷/۲	۲	۲/۲	۹۳۵
۳	۱۵۸/۶ - ۲۳۷/۹	-	-	-
۴	۷۹/۳ - ۱۵۸/۶	۴	۴/۴	۶۵۸
۵	۷۹/۳ و کمتر	۸۳	۹۲/۲	۱۹۸

منبع: محاسبات نگارندگان



شکل ۳. سطح بندی خدمات در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم بر اساس مدل شاخص مرکزیت (۱۳۸۵)

از تحلیل شاخص‌های فوق می‌توان دریافت که: به لحاظ سطح برخورداری و درجه توسعه‌یافتگی؛ بیش از ۹۰ درصد از روستاهای بخش در هر دو دوره زمانی مورد بررسی نابرخوردار و توسعه‌نیافته بوده‌اند. فقط روستاهای با جمعیت بالا و در فاصله نزدیک به شهر به ویژه شهرک‌ها تاحدودی برخوردار می‌باشند. به طوری که این محرومیت و عدم برخورداری روستاها از لحاظ خدمات اجتماعی و اقتصادی؛ موجبات مهاجرت روستاییان به شهرها و تخلیه ۱۳ روستای بخش را طی دهه ۸۵-۷۵ فراهم نموده است. بدین ترتیب اکثریت نقاط روستایی مورد مطالعه، به لحاظ داشتن امکانات و تسهیلات اولیه زندگی در سطح پایینی قرار دارند و روستا- شهر مصیری عملکرد مؤثری در ارتقای وضعیت رفاهی نواحی پیرامونی خود نداشته است.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش که با رویکردی کاربردی و با هدف بررسی نقش روستا- شهر مصیری در رابطه با ایجاد تعادل فضایی و توسعه در نواحی روستایی پیرامون انجام گرفته، با تکیه بر مدل‌های کمی سعی در پرداختن به این مهم در ناحیه مرکزی شهرستان رستم داشته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که: شهر مصیری از آغاز برپایی در سال ۱۳۷۶ تاکنون؛ علیرغم افزایش دامنه نفوذ و عملکرد فضایی خود نتوانسته در قامت یک شهر پویا و خلاق در ناحیه عرض اندام نماید. به گونه‌ای که به لحاظ جمعیتی ناحیه مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ با کاهش نرخ رشد ۲/۶- درصدی و تخلیه ۱۳ آبادی مواجه بوده است. همچنین تبدیل مصیری به شهر تأثیر مطلوبی در توزیع متعادل و متوازن جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های روستایی در سطح بخش مرکزی شهرستان رستم نداشته است. به طوری که ساختار فضایی ناحیه در طی یک دهه اخیر به سمت عدم تعادل و توازن سوق پیدا کرده است و شهر مصیری علیرغم افزایش جمعیت خود در تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی ناحیه ناموفق بوده است.

به لحاظ درجه برخورداری نیز بیش از ۹۰ درصد از روستاهای مورد مطالعه در هر دو دوره زمانی نابرخوردار و توسعه‌نیافته بوده‌اند و در زمان بعد از برپایی شهر مصیری؛ فقط چند روستای با جمعیت بالا به ویژه شهرک‌ها تاحدی برخوردار شده‌اند. همچنین این شهر در توزیع خدمات به نواحی پیرامونی نسبتاً ضعیف و در زمینه اشتغالزایی و رفع بیکاری در منطقه نیز عملکرد ضعیفی داشته است. در این میان شهر مصیری از زمان برپایی تاکنون نتوانسته جریان ارتباطی سازنده و ارگانیک با روستاهای پیرامون خود داشته باشد. به نحوی که به غیر انجام ارتباطات اجباری اداری- سیاسی (که این موضوع سبب وابستگی روستاییان به شهر می‌گردد)؛ اکثریت روستاییان ناحیه بیشترین مناسبات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی خود را با مراکز شهری بزرگ منطقه منجمله نورآباد و یاسوج برقرار می‌سازند. نهایتاً روستا- شهر مصیری نتوانسته آنگونه که از فلسفه برپایی یک شهر انتظار می‌رود زمینه‌های ایجاد تعادل فضایی در ناحیه و بالطبع توسعه روستاهای پیرامونی را فراهم بیاورد.

۷. منابع

۱. افراخته، حسن، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، انتشارات گنج هنر، چاپ اول، تهران.
۲. پاپلی‌یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۳. پاتر، ر. و س. لوید ایونز، ۱۳۸۴، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه: کیومرث ایراندوست و دیگران، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۴. تقی‌زاده، فرهاد و صرافی، مظفر، ۱۳۸۷، راهبرد شبکه منطقه‌ای، چارچوبی برای توسعه منطقه‌ای در کشور، مجله پژوهش‌های علوم زمین، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۸۹-۷۱.
۵. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف، ۱۳۸۵، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد.
۶. داوان، ام. ال، ۱۳۸۸، اولویت‌های توسعه روستایی، ترجمه: مهدی طالب و همکاران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۷. رضایی، محمد و تقوایی، مسعود، ۱۳۸۷، جایگاه شهرهای کوچک در تعادل بخشی توزیع فضایی جمعیت (نمونه موردی استان ایلام)، فصل‌نامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸، تهران، صص ۱۸-۱.
۸. رضوانی، محمد رضا، منصوریان، حسن و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره اول، تهران، صص ۶۷-۳۳.
۹. زیاری، کرامت‌اله، ۱۳۸۵، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ چهارم، یزد.
۱۰. شکوئی، حسین، ۱۳۸۰، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. شمس‌الدینی، علی و گرجیان، پروین، ۱۳۸۹، عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد: دهستان رستم دو)، فصل‌نامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۱۱، رشت، صص ۱۰۷-۸۷.
۱۲. شمس‌الدینی، علی و شکور، علی، ۱۳۹۰، تحلیلی جغرافیایی بر جریانات متقابل روستایی-شهری مطالعه موردی: مرودشت و روستاهای پیرامونی، فصل‌نامه جغرافیایی آمایش محیط، سال چهارم، شماره ۱۲، ملایر، صص ۹۹-۷۹.
۱۳. شمس‌الدینی، علی، ۱۳۹۱، بررسی و شناخت توان‌ها و تنگناهای محیطی (طبیعی و انسانی) و عملکرد شهرها در توسعه پایدار نواحی روستایی مطالعه موردی: شهر مصیری و روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۱۴. صرافی، مظفر، ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، مجموعه برنامه و بودجه، چاپ اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۵. ضرابی، اصغر، ۱۳۷۹، آینده شهرها: برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز.
۱۶. ضیاء توانا، محمد حسن و شمس‌الدینی، علی، ۱۳۸۹، کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد: نورآباد و روستاهای پیرامون، فصل‌نامه جغرافیای انسانی، سال ۲، شماره ۳، گرمسار، صص ۶۱-۴۵.
۱۷. طاهرخانی، مهدی و شایان، سیاوش، ۱۳۸۲، مطالعه روابط متقابل شهر و روستا و نقش آن در تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی، نمونه موردی: شهرستان هریس، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال نوزدهم، شماره ۶۷، تهران، صص ۹-۳.

۱۸. فنی، زهره، ۱۳۸۲، **شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای**، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ اول، تهران.
۱۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، **فرهنگ آبادی‌های شهرستان ممسنی**، تهران.
۲۰. نظری، عبدالحمید، ۱۳۸۰، **نقش برنامه‌های عمرانی در تحولات فضایی نظام سکونتگاه‌های روستایی استان گلستان مورد: گنبدکاووس**، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۱. نوری، ه، حسینی‌ابری، سید حسن و خادمی، حسین، ۱۳۸۸، **نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد**، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، زاهدان، صص ۶۱-۷۷.
22. Bromley, R., 1984, **Market Center Analysis in the Urban Function in Rural Development**, In H.D.Kammier and P.J.Swan(eds) *Equity with Growth?* Bangkok: Asian Institute of Technology.
23. Blair, J., 1991, **Urban and Regional Economics**, Richard D, Irwin Inc, New York.
24. Bukenya, j.Gebremedhin, T.X. schaeffer, P., 2003, **Analysis of Quality of life Rural Development: evinencefrom West Virginia Data**, Growth and change, N 34.
25. Douglass, M., 1998, **A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural- Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia**, Third World Planning Review, Vol20, No1.
26. Johnson, E.A.J., 1970, **The Organization Of Space In Developing Countries**; Cambridge, Harvard University Press.
27. Rondinelli, D.A.& K.Ruddel., 1978, **Urban Functions in Rural Development; An Analysis of Intergrated spatial Development**, USA.
28. Rondinelli, D.A., 1980, **Spatial analysis for regional development a case study: E.R.B; philipine first published USA**, United nation pres.
29. Rondinelli, D.A., 1983, **secondary Cities in developing Countries: diffusing Urbanization Policies**, sage.
30. Sudhira. H.S, Ramachandra, T.V, and Jagadish, k.S., 2003, **Urban Growth Analysis Using Spatial Temporal Data**, Journal of Indian Society of Remote Sensing, Volume 31, Issue4.
31. Egziabher, T. 2004, **Small Businesses in Small Towns of the Eastern Amhara Region: Nature and economic Performance**, University of wisconsin.